



یادداشت

یادداشت آینه ۲

مقاله

رویکرد آگاهانه به میراث کهن / جویا جهانبخش ۴

نقد و معرفی کتاب

- نکاتی چند از تفسیر شهرستانی / دکتر پرویز اذکائی ۶
- نگاهی به تذکرة المعاصرین / علیرضا ذکاوتی قراگزلو ۱۱
- نقد و بررسی احیای حکمت / دکتر سید جعفر سجادی ۱۴
- آثار احمدی در میزان نقد / دکتر نورالله کسائی ۱۷
- به امید قبسی / جویا جهانبخش ۱۹
- گمشده خوارزم / دکتر حامد صدقی ۲۱
- گلگشتی در دیوان غالب دهلوی / دکتر محمدحسن حائری ۲۶
- تأملی در قاموس البحرین / احمد عابدی ۲۹
- انجیل به روایت میر محمدباقر / فرخ امیریار ۳۱

از لابه لای متون

- برگزیده آثار بیرونی ۳۴
- هزار صندوق مگس کوه گیلو ۳۶

در آستانه تحقیق و نشر

- گذری بر رسائل حزین لاهیجی / علی اوجبی ۳۸

آشنایی با مصححان و محققان

- علامه قزوینی / جبریل شادان ۴۰
- یک شاخه گل / محمد اسفندیاری ۴۲

درباره تصحیح متون

- روش علمی در نقد و تصحیح متون ادبی / دکتر عبدالحسین زرین کوب ۴۶

مراکز علمی و فرهنگی

- آشنایی با «مؤسسه الفرقان للتراث الإسلامی» ۵۴

نشریات و مجله‌های پژوهشی

- مجله‌های نسخه‌های خطی / ایرج افشار ۵۷
- مجله «التراث» ۵۹
- خبرنامه «الفرقان» / ایرج افشار ۶۰
- مجله «مجمع اللغة العربية» سوریه ۶۱

آثار دفتر نشر میراث مکتوب

- نمایه آثار دفتر نشر میراث مکتوب ۶۲
- تازه‌های میراث مکتوب ۶۷

گزارش

- گزارش سفر به ازبکستان و تاجیکستان / اکبر ایرانی ۶۸

اخبار

- ۷۴

نامه‌ها

- ۷۴

- چکیده مطالب به زبان عربی ۸۲

- چکیده مطالب به زبان انگلیسی ۸۸



وابسته به

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

آینه‌نیش

فصلنامه و ویژه نقد کتاب، کتاب‌شناسی

و اطلاع‌رسانی در حوزه متون

سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۷

صاحب امتیاز: دفتر نشر میراث مکتوب

مدیر مسئول: اکبر ایرانی

هیئت تحریریه: محمود ارومیه چی‌ها،

جویا جهانبخش، عبدالحسین مهدوی،

علی اوجبی، محمود نظری

طرح و صفحه‌آرایی: هادی نوید

حروفچینی: محمود خانی

لیتوگرافی: نقره آبی

چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

- مقالات مندرج در آینه میراث صرفاً مبین آراء نویسندگان آنهاست.
- مقالات و مطالبی که برای آینه میراث ارسال می‌شود باید بر یک روی کاغذ نوشته شود و متن اصلی مقالات ترجمه شده ضمیمه گردد.
- آینه میراث در ویرایش مطالب آزاد است.
- مطالب دریافت شده بازگردانده نمی‌شود.
- استفاده از مطالب آینه میراث با ذکر مأخذ آزاد است.

نشانی دفتر:

خیابان انقلاب اسلامی، بین صبای جنوبی و فلسطین، شماره ۱۱۷۸، تهران ۱۳۱۷۵

نشانی پستی:

صندوق پستی ۵۶۹-۱۳۱۸۵، تهران

تلفن: ۶۴۱۴۸۳۴

دورنگار: ۶۴۱۵۰۵۲

پیام‌نگار:

mirasmaktoob@apadana.com

http://www.apadana.com/MirasMaktoob



یادداشت آینه

با توجه به این ضرورت، در اواخر سال ۱۳۷۳ «دفتر نشر میراث مکتوب» به همت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بنیاد نهاده شد تا با حمایت از کوششهای محققان و مصححان و با مشارکت مراکز علمی و تحقیقی و مؤسسات نشر، در داخل و خارج از کشور، سهمی در نشر میراث مکتوب داشته باشد و مجموعه‌ای ارزشمند از متون و منابع تحقیق به پژوهندگان و فرهنگ دوستان تقدیم دارد.

به منظور آشنایی بیشتر با این دفتر در اینجا به اهداف و وظایف آن به اجمال اشاره می‌شود:

اهداف

- شناسایی و معرفی آثار خطی ارزشمند دانشمندان و متفکران حوزه فرهنگ و تمدن اسلام و ایران
- تحقیق و نشر نسخه‌های ارزشمند متون اسلامی و ایرانی
- تحقیق و نشر رساله‌های خطی و متون چاپ سنگی
- کمک به ایجاد زمینه‌های مناسب جهت تبادل آراء مصححان و محققان و مراکز تحقیقاتی در داخل و خارج کشور
- حمایت از محققان، مصححان و ناشران داخلی و خارجی در احیای متون
- کمک به گسترش آموزش مبانی و اصول تصحیح انتقادی متون، تألیف و ترجمه متون تخصصی
- کمک به گسترش شبکه‌های اطلاع رسانی آثار خطی
- کمک به تنظیم و انتشار فهرس نسخه‌های خطی مجموعه‌های فهرست نشده
- انتشار نشریات ادواری اطلاع رسانی و تخصصی درباره متون خطی و تحقیقات در این زمینه
- تلاش در جهت تدوین و تصویب قانون ملی حمایت از میراث مکتوب
- تلاش در جهت تدوین و تصویب حقوق مصححان و محققان آثار خطی

نسخه‌های خطی اسلامی در حقیقت کارنامه دانشمندان بزرگ و نوابغ فکری عالم اسلام و هویت نامه مسلمانان جهان، از جمله ایرانیان است. برعهده هر نسلی است که این میراث پرجا را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و سوابق علمی خود به احیا و بازسازی آن اهتمام ورزد.

افسوس که بخل گنجوران، پراکندگی دستنوشته‌ها در بلاد، غرابت خط و زبان، منحصر به فرد یا کم شمار بودن نسخه‌ها، تشّت و اختلاف سرگیجه آور ضبطها و موجباتی از این دست، این گنجینه بیکران را از دسترس آرزومندان و مشتاقان دور نگه داشته است. از این روی تصحیح متون، به خلاف آنچه به طنز گفته‌اند، «نبش قبر» نیست، گنجیابی و احیای فرهنگ است. باید گفت اقدامی است ناگزیر و برخی از صاحب نظران حسن اجرای برنامه‌ها و طرحهای پژوهشی در عرصه زبان و ادب و تاریخ ما را تنها زمانی عملی شمرده‌اند که بر ویرایشهای انتقادی معتبر از متون مبتنی باشد.

با آنکه بیش از یک قرن از ورود صنعت چاپ به ایران می‌گذرد، هنوز بسیاری از میراث فرهنگی قلمرو زبان فارسی و ایران اسلامی در میان اوراق و کتب خطی در کتابخانه‌های عمومی یا مجموعه‌های خصوصی در گوشه و کنار جهان نهفته است.

به قول استاد فروزانفر، «بعضی کتب فسانه سیمرغ است، نام آن همه جا مذکور و خود در میان نه، و آنچه هست در جاهایی است که دسترسی به آنها مشکل است».

بازیابی و تصحیح هزاران متن شناخته و ناشناخته، که از هزاران سال باز انباشته و اندوخته شده، کاری است بس خطیر؛ چه مایه همت و نقد عمر و رمق فرهنگی و سرمایه مادی می‌خواهد، خدا می‌داند و بس! با همه کوششهایی که در سالهای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و تتبع در آنها انجام گرفته و صدها کتاب و رساله ارزشمند انتشار یافته، هنوز کار ناکرده بسیار است و هزاران کتاب و رساله خطی موجود در کتابخانه‌های داخل و خارج کشور شناسانده و منتشر نشده است. بسیاری از متون نیز، اگر چه بارها به طبع رسیده، منطبق بر روش علمی نیست و به تحقیق و تصحیح مجدد نیاز دارد.

وظایف

- برقراری ارتباط و تبادل اطلاعات با مراکز و مؤسسات مرتبط بامتون خطی و سایر مؤسسات علمی در داخل و خارج کشور به منظور شناسایی و معرفی آثار خطی و انجام مبادلات فرهنگی از طریق مبادله خدمات و کالاهای فرهنگی (کتاب و...)
- تهیه میکروفیلم، عکس و کپی از نسخه‌های خطی داخل و خارج کشور
- مشارکت و سرمایه‌گذاری با سایر مراکز و مؤسسات داخل و خارج کشور در تحقیق و تصحیح متون و نیز سایر طرحهای مطالعاتی مورد نیاز مرکز
- همکاری با کنگره‌های بزرگداشت مفاخر علمی و فرهنگی در جهت احیا و نشر آثار آنان
- مشارکت و سرمایه‌گذاری با اشخاص حقیقی و حقوقی داخل و خارج کشور به منظور تهیه و نشر کتابهای نفیس و مرجع
- ارائه خدمات مشاوره‌ای و حمایت و راهنمایی مصححان بویژه دانش‌آموختگانی که رساله تحصیلی خود را به تصحیح متون اختصاص دهند.
- شرکت در مجامع و سمینارهای مرتبط با اهداف مرکز در داخل و خارج کشور
- برگزاری جلسات گفت و گو، میزگردها، سمینارها و کنگره‌ها درباره مسائل و مشکلات تصحیح متون و معرفی آثار خطی ارزشمند و موضوعات مختلف مرتبط با اهداف مرکز
- برگزاری دوره‌های آموزشی اصول و مبانی تصحیح متون و موضوعات مرتبط و نشر جزوات و کتابهای آموزشی
- ایجاد و تأسیس مراکز و شبکه‌های اطلاع‌رسانی آثار خطی و تحقیقات و دیگر مسائل مرتبط و تسهیل شرایط بهره‌برداری محققان و مصححان از آنها با رعایت ضوابط مربوط به استفاده از اطلاعات مورد نظر
- تأسیس و اداره کتابخانه‌های تخصصی و تحقیقاتی با اخذ مجوز لازم
- ترجمه متون خطی فارسی ارزشمند به عربی یا زبانهای دیگر
- انجام فعالیتهای انتشاراتی و خدمات فنی و تأسیس مرکز نشر به منظور انتشار کتاب، نشریات و مطبوعات و نیز اقدام به تأسیس و تجهیز چاپخانه با اخذ مجوز لازم
- برپایی نمایشگاه و فروشگاه اختصاصی از آثار و تولیدات مرکز و دایر کردن کتابفروشیها و نمایندگیهای مورد نیاز در سایر نقاط
- قبول و تصدی نمایندگی مراکز و مؤسسات علمی، فرهنگی، اطلاع‌رسانی، انتشاراتی و مطبوعاتی داخلی و خارجی به منظور توزیع و صادرات و واردات کتاب و کالاهای فرهنگی در داخل و خارج کشور
- شرکت در نمایشگاههای بین‌المللی کتاب

- سرمایه‌گذاری و مشارکت در اجرای طرحهای پژوهشی و اقدام به تأسیس و راه‌اندازی مراکز و تشکلهای تحقیقی در جهت ارتقاء تواناییها و تثبیت بنیه مالی مرکز در چارچوب مقررات مربوط

*

دفتر نشر میراث مکتوب در چهارمین سال فعالیت خود توفیق آن را داشته تا با همکاری محققان و مصححان فرزانه و مشارکت ناشران فرهیخته قریب به ۶۰ اثر مکتوب را در شش مجموعه علوم و معارف اسلامی، زبان و ادبیات فارسی، میراث ماوراءالنهر، تاریخ و جغرافی، علوم و فنون، کتابشناسیها و فهرستهای متون خطی به جامعه فرهنگی عرضه نماید و بیش از ۶۰ اثر دیگر را در دست تصحیح و آماده سازی فنی و در آستانه چاپ و نشر داشته باشد.

ضرورت اطلاع‌رسانی و نبود مجله ای خاص درباره نسخه‌های خطی به زبان فارسی موجب شد که این دفتر در کنار کارهای پژوهشی خود به انتشار نشریه‌ای به نام آینده میراث، ویژه نقد کتاب، کتابشناسی و اطلاع‌رسانی در حوزه متون اقدام کند. پس از انتشار دو شماره به صورت ماهانه، اکنون نخستین شماره آن با شکلی جدید و در قلمرویی وسیع‌تر و تخصصی‌تر به صورت فصلنامه در پیش روی علاقه‌مندان قرار دارد.

نشر تحقیقات و بررسیهای محققان درباره نسخه‌های خطی، به ویژه درباره نسخه شناسی و تصحیح انتقادی متون، بررسی شیوه‌های علمی و کارآمد تصحیح و تحقیق، معرفی کتابهای تحقیق شده و آثار در آستانه تحقیق و نشر برای ارج گذاری به کار محققان، نقد عالمانه و جلوگیری از تکرار کارهای پژوهشی، معرفی تازه‌ترین کتابها و مقالات تحقیقی نشریات تخصصی، معرفی آثار منتشر شده و در دست تصحیح و انتشار دفتر نشر میراث مکتوب، معرفی مصححان و محققان، شناساندن مراکز علمی و تحقیقی و اخبار پژوهشی و فرهنگی در حوزه متون از موضوعات مورد بحث در این نشریه خواهد بود. و بالاخره فصلنامه در پی آن است که آثار گرانبهای محققان را که در گوشه کتابخانه‌ها از دیده‌ها پنهان مانده، شناسایی کند و متون بایسته تصحیح را بشناساند و همتهای بلند را برای تحقیق فراخواند. همچنین در میان آثار گرانقدر گذشتگان، گاه رساله‌هایی کوتاه یافت می‌شود که به این لحاظ نشر مستقل را بر نمی‌تابند. تحقیق دقیق و نشر شایسته این گونه رساله‌ها نیز از برنامه‌های آتی دفتر است که بخش دیگری از فصلنامه را به خود اختصاص می‌دهد. در پایان امید است تلاشهای این دفتر در نشر آثار ارزشمند ایران اسلامی و عرضه آنها به مشتاقان و پژوهندگان - که از یک سو به منزله قدردانی از خدمات گرانبهای دانشمندان سرزمین دانش خیز ایران است و از سوی دیگر دستمایه‌هایی است که پژوهشگران را در کار تحقیق یاری می‌رساند - سپاسی باشد از نامورانی که در طول سالیان این آثار را فراهم آورده‌اند.

دفتر نشر میراث مکتوب، صمیمانه و به احترام، چشم انتظار مقالات، نقدها و نظرهای محققان و مصححان ارجمند در جهت پربارتر شدن این نشریه است.





رویکرد آگاهانه به میراث کهن

جويا جهانبخش

زده!

نشر سومین ترجمه جامعه باز و استقبال از آن فرخنده است؛ شنیدن این که دانشوری دو دهه در کتابی می پیچد تا ترجمه ای دقیق و استوار از آن عرضه کند، مبارک است؛ فروش فوق العاده کتابهای فلسفی و این عنایت به مسائل فکری، مسرت بخش است؛ اما آیا همه چیز همین است؟!

این مسرت و فرخندگی به شرط آن حاصل می شود که شما در بازار روز کتاب، یک ترجمه و فقط یک ترجمه روان از تفسیر صافی ملا محسن فیض به من نشان دهید! که نیست! جایی نیمی ازین توجه را به تاریخ بیهقی، نه به عنوان متن تکلیف درسی، که به عنوان آینه ای به یادگار مانده از روزگاری که بر ما (همین «ما» امتداد یافته در تاریخ) گذشته، سراغ کنید! که نمی توانید کرد! در کوی کتابفروشان، پرسندگان بیشماری را در طلب اساس الاقتباس خواجه نصیر که شاید هیچگاه گرد کهنگی نپذیرد، بیابید! که نخواهید یافت! راستی چرا؟!

بیقین اگر بخواهید از میان مؤلفات بیشمار مسلمانان، تنها صد اثر گلچین کنید، تفسیر کبیر فخر رازی از آن صد خواهد بود؛ و اگر پنجاه، به احتمال قریب به یقین، از آن پنجاه؛ و اگر بیست، هستند مدققانی که تفسیر فخر را یکی از آن بیست اثر بشمارند. زبان فارسی هزار سال انتظار کشید تا تفسیر فخر ترجمه شود و اینک ترجمه سه مجلد آن منتشر شده؛ تفسیری که هیچ طالب راستین آگاهی اسلامی از آن مستغنی نیست؛ پس چرا این سه دفتر نشر یافته نایاب نشد و همچنان زینت بخش قفسه های کتابفروشی است؟!

هرگاه این بسنده گری و خرسندی پوشالی خودمان - یعنی: دوستداران و مدافعان «سنت» و «تجدد سنتی» - را نیک نظر می کنم به یاد حکایت «مردی که می خواست تازی گوید» در کلیله

اخیراً سومین ترجمه کتاب معروف کارل پوپر (پاپر) جامعه باز و دشمنان آن منتشر شد، ترجمه ای که به گواهی مقدمه مترجم، بیش از دو دهه مشغولیت ذهنی و قلمی، برای او پدید آورده بوده است. بنده هم مانند هر دوستدار صادق اندیشه و فرهنگ، از خبر انتشار آن شادمان شدم و اگرچه از ارادتمندان این اندیشه گر اتریشی («ارادتمند» به معنای امروزی آن) نیستم، آن را رویدادی فرخنده تلقی نمودم.

مدتی است در بازار کتاب در راسته اندیشه گران مغربی و جانب غربی، همه ای برخاسته و رویکردی روزافزون به نشر و فروش و خرید متاع قلمی ایشان پدید آمده که بخودی خود نه تنها معضلی بشمار نمی آید، می تواند نمودار بلوغ و رسیدگی فکری جامعه ما باشد.

دریغ اینجاست که داستان به پُر خریداری کالای اندیشگی باختری، ختم نمی شود، و وضعیت کنونی، دیده دیده وران را از دو جانب، نگران می دارد:

۱. اقبال خوانندگان و خریداران کتاب و بهره وران از آن، به این رویه نوآشنای فکرت، مع الأسف، لاقلاً در مواضعی بیش از آنکه مبتنی بر بصیرت و انتخاب آگاهانه باشد، تابع هیاهو و غوغا و «مد» فکری نوظهوریست که پرده ای از غفلت و یکسونگری بر چشمان جامعه کتابخوان ما می کشد - و تفصیل این اجمال خود سخنمایه دفترهاست!

۲. سوق توجه جامعه کتابخوان، به شهادت کیفیت کنونی بازار کتاب، چندان معتدل نبوده است. این سویمندی به نوعی افراط و تفریط خطرناک در عرضه و تقاضا و تولید والاترین متاع فرهیختگی بشر، یعنی: کتاب، دامن زده، چنانکه لعل و خرف را گاه همبر کرده و خرمهره و دُر را به یک رشته کشیده و حتی آفتاب گیتی افروز را وانهاد، دست در دامن پیه سوز مشام آزار چشم ستیز،

«نگارشها» - نویسیم، نخواهیم توانست در این «هنگامه انگاره‌ها و اندیشه‌ها» که در سده کنونی برپاست پیروز شویم و زنگار فراموشی از آینه صافی میراث بزدااییم.

متأسفانه، چه در پیراستن و آراستن صورت متون و نشر آنها، و چه در نقد محتوایی و اندیشگی و نگرشی آثار، بسیار مبتدی و تازه کاریم، و هنوز راهی دراز مانده تا هم‌عنان رقیبانمان گردیم. شناختن اولویتهای، غفلت از فوائد و سودمندیهای ویژه، سهل انگاری و ناسنجیده کاری در رعایت حدود و قواعد پژوهشهای متن شناسی، خلط و التباس و «اینهمان» انگاری نابجا و ناموجه در تفسیر متن و تأویل و توضیح آراء، کم توجهی به جاذبه‌های بازاری

- که نقشی تعیین کننده در کامیابی - عرضه گر متاع فرهنگی دارد -، و ...، شمه‌ای از پریشانیهای فعالیت‌های فرهنگی ماست، که به سامان آوردنشان توانسوز و طاقت فرسا، ولی کردنی و شدنی است!

روشن بگویم: ازین بی اعتنایی و بی اهمتمی به سنت و رهاوردهای آن، ملول و بیمناکم، و گمان می کنم کثیری از پژوهندگان و دوستداران فرهنگ این بوم و بر، تصویر روشنی از بحران موجود و ملموس روزافزون جامعه دانش آموخته، ندارند.

نمی دانم «آخرین درس» آلفونس دوده را خوانده اید یا نه؟^۱ حالت امروزی ما سخت به حال غافلانه دانش آموز

بازیگوش داستان «دوده» می ماند که پیش از روز سرنوشت، از درس و بحث مدرسه دلگیر است و اعلان هشدار دهنده پیش خانه کدخدا را نمی بیند؛ و عاقبت در روز سرنوشت، روز درس آخرین، جز حسرت و بغض گزنده خود و خاطره درد و دریغ همدردسان، معلّم و بزرگان روستا، چیزی به خانه نمی برد.

سخن کرانه ندارد ...

پری نهفته رخ و دیو در کرشمه حسن

بسوخت دیده ز حیرت که این چه بوالعجیبیست؟!



پی نوشت:

۱. اگر خواننده اید، حتماً در کتاب حکایت همچنان باقی استاد زرین کوب (تهران، ۱۳۷۶) - به ترجمه روان استاد - بخوانید و محظوظ گردید!

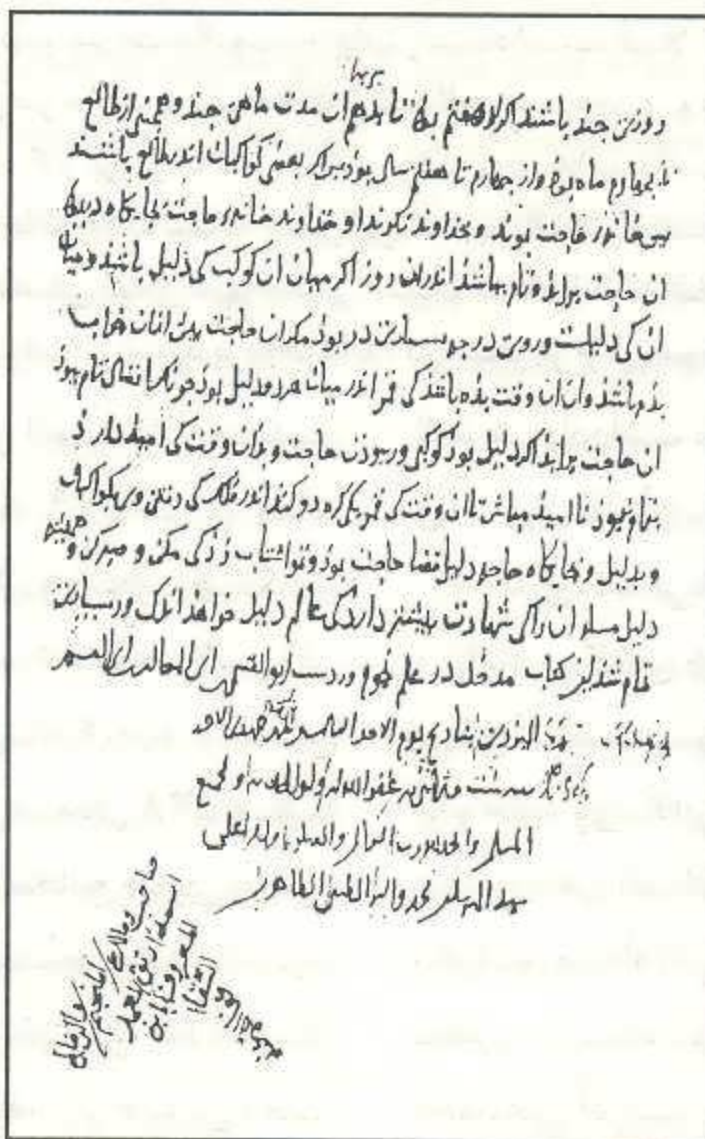
«مردی می خواست که تازی گوید، دوستی فاضل ازان وی تخته‌ای زرد در دست داشت؛ گفت: از لغت تازی چیزی از جهت من بران بنویس. چون پرداخته شد، به خانه برد، و گاه گاه دران می نگریست و گمان بُرد که کمال فصاحت حاصل آمد. روزی در محفلی سخنی تازی خطا گفت، یکی از حاضران تبسمی واجب دید. بخندید و گفت: بر زبان من خطا رود و تخته زرد در خانه من است؟» (چاپ مینوی ص ۳۹ و ۴۰): در جایی که تخته زرد در خانه من است چگونه ممکن است خطا بگویم؟!).

حال ما، حال صاحب تخته زرد است؛ کار کهایی کرده ایم و

بدین دل خوش داشته که طاووس علیین گشته ایم و راه مخاصمت بر دشمنان خویش بسته. خاستگاه پندار باطلی که داریم این است که اندوخته و داشته و بوده خویش را غنی و توانگر دیده ایم و الحق در این یافت و دریافت خطا نکرده ایم؛ لیک در مستغنی پنداشتن خویش به خطا رفته ایم؛ چرا که ندانسته ایم متاع خویش را چگونه عرضه داریم؛ کجا بپوییم، چه بگوئیم، و چه بخواهیم؟!

ضرورت احیاء نگارشها را، بدرست و چونان حقیقتی مسلم - که چنین هم هست - شناخته ایم؛ لیک ازین مرحله گذر نکردیم و نگارش را واسطه وصول به نگرش نساختیم. اینهمه در قامت و قیمت دستنوشتهای و نقد و تصحیح متون

پیچیدن، و نسخه سقیم افتاده را به تصرف نظر به صلاح آوردن، برخلاف رأی سهل انگار انکارپیشگان ناآشنا، درست و بجا بوده است! اما، مطلب اقصی و عمده علیا، این مقام نیست! احیاء ثراث - در معنای راستینش - قشر بازی و پوست ورزی نیست! که رسیدن به لب لباب و مغز نغز «نگرش و نگارش» پیشینیان و دیرینیان است. سر رشته تدبیر وقتی به دست می افتد که آیین عرضه سنت را با اقتضائات روزگاری اش بدانیم و مراعات کنیم. در نخستین گام، متنهای بازمانده از کشاکش ایام را بشناسیم و صورتی مُنقّح و مُصحّح از آنها عرضه داریم، سپس به نقد روشمندانه این متون بنشینیم و «نگرشها» را از جای جای سطور «نگارشها» برآوریم. تا زمانی که راههای صحیح عرضه سنت را - در قالب





نکاتی چند از تفسیر شهرستانی

دکتر پرویز اذکائی



تفسیر گرانسنگ مفاتیح الأسرار و مصابیح الأبرار مرحوم شهرستانی که به تصحیح دکتر آذرشب و به همت دفتر نشر میراث مکتوب به چاپ رسیده است، قبلاً در سال ۱۳۶۸ نسخه منحصر به فرد آن در دو مجلد با مقدمه آقای عبدالحسین حائری و به انضمام فهرس فنی کتاب که با زحمات دکتر پرویز اذکائی ترتیب یافته بود، چاپ عکسی گردید. مقاله‌ای که در پیش روی دارید با توجه به نسخه خطی این تفسیر نگارش یافته، هدفمند به شیعی بودن و خصوصاً اسماعیلی بودن شهرستانی است و به لحاظ آنکه آقای اذکائی در آن به محتوا و ویژگیهای این کتاب ارزشمند پرداخته‌اند، در اینجا درج می‌شود.

بأسرار القرآن، تاج الدین شهرستانی» که همانا اصل آن در دو مجلد بوده [شامل تفسیر سوره‌های فاتحه و بقره] به پایان برده (برگ ۴۳۴ ب)، و ابوالمجامع ابراهیم بن [شیخ سعیدالدین] محمدبن المؤید الحموی [الشهیر ببحرآباد] الجوینی یادداشت مزبور را در چهارم شعبان همان سال (۶۶۷ هـ ق) بر ورق اول آن نگاشته است.

باری، تفسیر شهرستانی از همان زمان تصنیف اشتهار یافته، و زبازد مورخانی چون ابن ارسلان خوارزمی، سمعانی مروزی، بیهقی ششتمدی، یاقوت حموی، و جز اینان شده است. در باب آرا و عقاید وی، آقای محمدتقی دانش پژوه در گفتار ممتّع خود با عنوان «داعی المدعاة تاج الدین شهرستانی» ضمن آنکه اهمّ مراجع را فرانموده، ادله نقلی و عقلی در خصوص تشیع و بل مراتب گرایش باطنی - اسماعیلی و داعی دُعائی او را بیان داشته است.^۱ محمدعلی آذرشب هم، تتبعات خود راجع به موضوعات کلامی مطروح در تفسیر مزبور - به طور عمده مبتنی بر مقدمات آن - را نشر داده، اخیراً گفتار عربی «اهل البيت (س) فی رأی صاحب الملل و النحل» را به ویژه در باب تشیع وی نگاشته است.^۲

آنچه اینک تحت عنوان مذکور در فوق، گزیده وار و با اشارت و اختصار تمام بیان می‌گردد، بهری از نتایج کار رسیدگی و فهرست نگاری برای تفسیر مورد بحث است.^۳ اما قبل از ایراد بعضی نکات و فواید آن، نقل فقراتی که متضمن شناسایی دیگر و بیشتر صاحب الملل و النحل است، در این گفتار ضروری به نظر می‌رسد. از جمله، بیهقی ششتمدی (که همان «ابن قُندُق» معروف باشد) در شرح احوال و آثار شهرستانی گوید که «وی در خوارزم مجلسی منعقد کرده بود که طی آن اشارات و اصول حکمت بیان نموده، و

اسم این تفسیر مشتهر شونده تاج الدین ابوالفتح محمدبن عبدالکریم شهرستانی (ولادت - صحیحاً - ۴۷۹ هـ. ق، وفات ۵۴۸ هـ. ق)، صاحب کتاب مشهور الملل و النحل، چنانکه بر ورق اول نسخه خطی منحصر به فرد آن در کتابخانه مجلس (ش ۸۰۸۶) و نیز در مقدمه خود شهرستانی یاد گردیده، مفاتیح الأسرار و مصابیح الأبرار است. شهرستانی در سال ۵۳۸ هـ. ق به تصنیف آن آغاز نموده، زیرا در یادداشت ابوالمجامع حموی جوینی، بنا به قرائت راقم این سطور آمده است: «اتَّفقتُ بدايةً هذا التصنیف فی شهر سنة ثمان و ثلاثین و خمس مائة، نقلته من خط المصنّف... استنسخه لنفسه عبید الله الداین بلطفه: ابراهیم بن محمد بن المؤید ابوالمجامع الحموی الجوینی حماء الله و هداة و وفقه لما... الی رضاه...» (برگ ۱ الف)، و ظاهراً در سال ۵۴۰ یا ۵۴۱ هـ. ق از آن بپرداخته است. زیرا کاتب نسخه در ابتدای مجلد دوم به نقل از خط مصنف آورده: «و هی بداية المجلدة الثانية من التفسیر... ختمت المجلدة [الاولی؟] فی المحرم سنة اربعین و خمس مائة [= ۵۴۰] فتحها الله بالخير و ختمها بالسعادة، نقل من نسخة الاصل بخط المصنّف، المجلدة الثانية من مصابیح الأبرار و مفاتیح الأسرار» (حاشیه ۲۴۱ الف).

کاتب نسخه محمدبن محمدالبرانجی [که آقای دانش پژوه با استفهام «الزنجی» خوانده] کتابت نسخه را در سلخ رجب سال ۶۶۷، از روی نسخه اصل به خط مصنف «الامام العارف

من از آن تعجب می کردم، تا آنکه مرا با وی اتفاق مجلس افتاد در حضور امام ابوالحسن عبادی، موقّق الدین لیثی و شهاب الدین واعظ، در اقسام تقدّمات بحثی می رفت. از وی پرسیدم که چرا اجزاء انفصال را منحصر در اقسام سته دانستی؟ پاسخ داد: فرق است میان متقدّم بالذات و متقدّم بالوجود، و آغاز تحقیق نهاد فرق میان متقدّمین را. گفتم: من از مطلب «هل» سؤال می کنم، تو بیان مطلب «ما» می کنی در غیر موضع نزاع، می گویم که چرا گفתי این انفصال حقیقت است؟ می گویی که فرق است میان فلان جزء منفصله و میان فلان جزء، تا طول کلام به تمادی کشید. در آن وقت، وی تفسیری می نوشت و آیات را بر قوانین شریعت و حکمت تأویل می کرد. گفتم که این تفسیر از صواب دور است. زیرا که حکمت امری است از طریق تفسیر دور، و وجه تفسیر چنان باید کرد که از سلف به ما رسیده، و اجماع صحابه و تابعان بر آن بوده، و اگر کسی خواهد که میان حکمت و تفسیر جمع کند، بهتر از آن که حجة الاسلام غزالی... جمع کرده، صورت ندارد، و کس را مثل آن توقع نباید داشت. او از این سخن برنجید، رنجیدنی درشت، و سلطان سنجر او را عزیز داشتی و «صاحب سر» خود دانستی، و در شهر سنه ۵۴۸ در شهرستانه وفات یافت.^۴

یاقوت حموی در شرح «شهرستان» نسای خراسان، به نقل از تاریخ خوارزم ابن ارسلان آورده است که «شهرستانی متکلم و فیلسوف، چون در آن سرزمین اقامت گزید، جمعی نیک محضری او را دریافتند، الا آنکه از تخبّط وی در اعتقاد و تمایل او به الحاد تعجب نمودیم، که پیشوایی چون او با آن همه فضل و کمال عقلی چگونه به چیزی گراییده است که بنیادی ندارد، و امری برگزیده است که هیچ دلیلی عقلی یا نقلی بر آن مترتب نیست، پناه بر

خدا از آن همه خواری و مهجوری از پرتو ایمان، و جز این نباشد که همانا وی از نور شریعت روی برداشته، و به ظلمات فلسفه پرداخته است. میان ما (خوارزمیان) و او مناظرات و مفاوضات رخ داد، و همو مذاهب فیلسوفان را حمایت می کرد و از ایشان دفاع می نمود. من خود (ابن ارسلان) در چندین مجلس وعظ او حضور یافتیم، لفظ «قال الله» در آنها وجود نداشت، و «قال رسول الله ﷺ» گفته نیامد، پاسخی به مسائل شرعی داده نشد. خداوند به حال او داناتر است. به سال ۵۱۰، از خوارزم برفت و حج گزارد، و سپس

سه سال در بغداد اقامت کرد، که در نظامیه وعظ گفت، و نزد عوام قبولی یافت، و همانجا مدرّس شد...^۵

اما فخرالدین رازی در مسأله دهم از مناظرات خویش، در باب الملل و النحل شهرستانی اظهار نظر کرده بدین که «آن کتابی نامعتمد است. زیرا شرح مذاهب اسلامی را از کتاب الفرق بین الفرق استاد ابومنصور بغدادی نقل نموده، که نسبت به مخالفان تعصّبی شدید داشته، و شرح مذاهب فرق اسلامی را بر وجه صحیح نیاورده، فلذا نقل شهرستانی هم در این فقرات خالی از خلل نیست...، تنها نقلی که کتاب شهرستانی بدان اختصاص یافته، همانا رساله فارسی الفصول الأربعة حسن بن محمد صباح [اسماعیلی] است که شهرستانی آن را به عربی ترجمه کرده، و در باب هذیانات آن فصول داد سخن داده است.»^۶ دکتر فتح الله خلیف در تعلیقات خود بر مناظرات رازی، این نظر را که شهرستانی چشم بسته از بغدادی پیروی نموده رد کرده و نگره رازی را در این خصوص درست ندانسته است.^۷ ولی اینکه شهرستانی رساله حسن صباح را در دست داشته^۸، که - به اصطلاح امروز - یک سند درون سازمانی بوده، خود دلیلی دیگر بر اسماعیلی بودن وی به شمار تواند آمد، و اطلاعات او در خصوص آن فرقه از زمره دانستیهای «اهل البيت ادری بما فی البيت» است.

اینک آنچه در خصوص تفسیرش بیان کرده، با مختصر تصرف و تلخیصی در اینجا نقل به معنی می گردد: «صحابه (رض) در اینکه علم قرآن مختص به اهل بیت (س) باشد، همداستان بوده اند. چون از علی بن ابی طالب (رض) در این خصوص پرسیدند، فرمود جز این نباشد «لا والذي فلق الحبة و برأ النسمة الا بما فی قراب سیفی»، همین خبر که حاکی از وجه تخصیص

قرآن باشد، دلیل بر اجماع آنان است بدین که علم و تنزیل و تأویل آن اختصاص به ایشان یافته است... و من در جوانسالی تفسیر قرآن را از مشایخ خود می شنیدم، تا آنکه به حلقه درس استاد ناصر السنته ابی القاسم سلمان بن ناصر انصاری (رض) پیوستم، که مرا بر کلمات شریفه اهل بیت و اولیای ایشان (رض) و بر اسرار دفین و اصول متین در علم قرآن آگاهانید، و به کرانه وادی ایمن در خجسته بقعه «شجرة طیبه» نویدم داد. پس چون طلب عاشقان به جستجوی صادقان پرداختم، بنده ای از بندگان صالح خدا را،

منافع الاسرار و صبايح الابرا
تألیف: تاج الدین محمد بن عبدالحکیم شمس الدین
ترجمه: ۱۳۸۸ هجری

چاپ گنجی از روی نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی

مستند: مجلس شورای اسلامی
چاپخانه: چاپخانه گنجی
مکان: اداره المعارف اسلامی

چاپ: ۱۴۰۲ هجری
مکان: تهران ۱۳۸۸ هجری



نگاهی به تذکرة المعاصرین

علیرضا ذکاوتی قراگزلو

شیخ محمدعلی حزین لاهیجی (۱۱۰۳ - ۱۱۸۰ هـ. ق.) از اولاد شیخ زاهد گیلانی (مرشد شیخ صفی الدین اردبیلی، جد صفویه) از شخصیت‌های چند جانبه‌ای است که خوشبختانه قدر او بتدریج دارد شناخته می‌شود. حزین عالم دینی و مورخ و تراجم‌نویس و عارف صاحب مکتب و همچنین شاعری پراحساس و توانا بوده است. آثار او که غالباً به صورت رسالات کوچک است، از جهت تعداد فراوان و از جهت موضوعات متنوعند. علت اینکه رسالات حزین کوچک و کم حجم است یکی زندگی در به در و آواره اوست، و دیگر اینکه در اواخر دوره صفویه، تعلیقه نویسی و حاشیه نویسی و پدید آوردن رسالات مفرد در موضوع خاص باب شده بود و حزین هم از همین شیوه پیروی کرده است.

حزین، در شاعری، از افراط کاریهای دوره انحطاط سبک هندی برکنار بود و به نظر من اگر در ایران می ماند شاید پیشوای مکتب «بازگشت» می شد. (رک: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، برگزیده اشعار سبک هندی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳، ص ۳۹۳).

نثر حزین موجز و زیبا و پر مطلب است و از تکلفات منشیانه درباری، و نیز از بی رنگ و رویی و عوامانه بودن نثر کتابهای مذهبی عامیانه آن عصر، عاری است یعنی ضمن آنکه ساده است، پیداست به قلم ادیبی نوشته شده است. اطلاعاتی که حزین در تذکره و تاریخش درباره زمانه خودش می دهد، نوعی گواهی صادقانه است و ملاحظه می شود که حتی مورخان شوروی سابق بر نوشته های او تکیه و استناد کرده اند (رک: دولت نادرشاه، ترجمه حمید

مؤمنی).

ضدیت حزین با نادرشاه بیشتر بدان جهت است که حزین از منسوبان خاندان صفویه بوده است و مثل اکثر علمای شیعه، صفویه را صاحب حق در حکومت تلقی می کند و نادر را غاصب. در حالی که حق آن است که نادر در سال ۱۱۴۸ قمری به عنوان برجسته ترین عنصر یک قیام ملی ضد بیگانه بر سر کار آمد. و تلقی آن روز مردم از نادر یک قهرمان بود که روسها و عثمانیها را از ایران بیرون ریخت و ازبکها و افغانها را ادب کرد و مرکزیت و امنیت را برگردانید. علمای متأخر صفویه و از جمله حزین، این اندازه را هم نمی پذیرفته اند. شاید همچنانکه یکی از تاریخ شناسان تصریح کرده است، اگر عالمان متأخر عصر صفوی چنان برخورد خصمانه

و غاصبانه ای با نادر نمی کردند، نادر منحرف نمی شد یا دست کم، به آن سرعت منحرف نمی شد. نادر وقتی «تلقی به قبول» را از ناحیه راهنمایان فکری مردم دریافت نکرد، به فکر جلب نظر تبعه و حتی همسایگان سنی مذهب خود افتاد. حال آنکه اگر در محیط داخلی، کار خود را محکم می دید، چه بسا به فکر آباد کردن مملکت می افتاد (کاری که شاه عباس اول کرد). رویکرد نادر به هند نیز شاید برای بزرگنمایی، و جبران تحقیری که در باطن بر او روا می داشتند و او را لایق سلطنت نمی انگاشتند بود. این ابلهانه ترین طرز فکر بود که فی المثل طهماسب بی لیاقت و فاسد الاخلاق را در برابر نادر (که تا سال ۱۱۴۸ نشان داده بود مردی استوار، وطن دوست، شایسته و یک نابغه نظامی است) حمایت کنند. به هر حال، آنچه گفتیم برای فهم احوال



تذکره المعاصرین

تألیف

محمدعلی بن ابی طالب حزین لاهیجی

(۱۱۰۳ - ۱۱۸۰ هـ. ق.)

تصحیح و تعلیقات
معصومه سالکتألیف: محمدعلی بن ابی طالب حزین لاهیجی
(۱۱۰۳ - ۱۱۸۰ هـ. ق.)

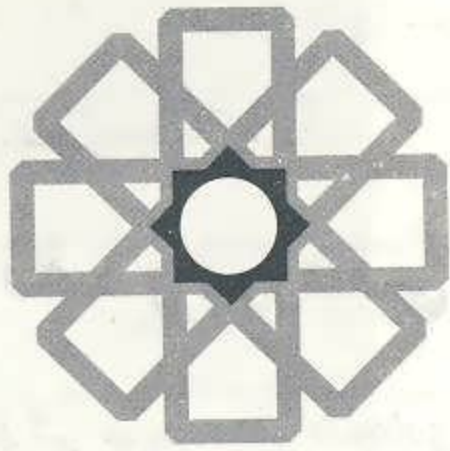
مقدمه و تصحیح و تعلیقات: معصومه سالک

چاپ اول: ۱۳۷۵ ■ ناشر: سایه

با همکاری دفتر نشر میراث مکتوب

قطع وزیری، ۴۲۹ ص.

شمار: ۳۰۰۰ نسخه



حسن ابتدائی بذکری جیرة الحرم
له براعة شوقی یستهل دمی
(ص ۲۳۱)

*

از یک نظر عاشق رندی آخر
هم از خود و هم ز غیر خود وارستیم
(ص ۲۴۶)

*

گو میرد از خمار و نبیند کسی به چشم
ابرو بلند کردن موج سراب را
(ص ۲۴۸)

*

دل عاشق، وجود از هر چه یابد زان فنا گردد
از آن آبی که گندم سبز گردد آسیا گردد
(ص ۲۹۹)

*

یک بار اگر رخ خود آن دلربا ببیند
عاشق اگر نگردهد از چشم ما ببیند
(ص ۳۵۰)

*

از کلام دیگران مستند و من خمیازه کش
نشوه ای از باده خود نیست چون مینا مرا
(ص ۳۵۶)

*

منت احسان صاحب حرمتانم گشته بود
گر نمی شد دستگیر از فقر بی دامانیم
(ص ۳۶۸)

*

کشیدم رنجهای تا آنکه ویران ساختم خود را
از آن ترسم که باز آلوده سازندم به تعمیری
اگر راهب تمنای طواف کوی او داری
بزن گامی به ره تا کی سراغ یار می گیری؟
(ص ۳۸۰)

توفیق محقق محترم و ناشر را خواهانیم و اهل تحقیق در
ادبیات را به ملاحظه این کتاب توصیه می کنیم.

آینه پژوهش، سال هفتم، شماره ۴، شماره پیاپی ۴۰، (مهر-آبان ۱۳۷۵)



بقیه از صفحه ۱۰

پی نوشت:

۱. نگاه کنید به نامه آستان قدس رضوی، ج ۷ (۱۳۴۷ هـ ش)، ش ۳/۲، ص ۸۰-۷۱، ش ۴، ص ۷۱-۶۱.
۲. تراثنا، نشرة فصلیة تصدرها مؤسسة آل البيت (ع)، السنة ۳، العدد ۳ (۱۲) ۱۴۰۸ هـ ق، ص ۲۱-۷.
۳. طبع عکسی (فاکسیمیل) متن تفسیر مفاتیح الاسرار شهرستانی با مقدمه آقای عبدالحسین حائری و منضم به فهرس تفصیلی ششگانه ای که اینجانب تهیه کرده است: اعلام الرجال، الامکنه و البقاع، الملل و النحل، الطوائف و الجماعات، الموضوعات و المصطلحات، والکتب و الأسفار قریباً از طرف مرکز انتشار نسخ خطی به اشراف بنیاد دائرة المعارف اسلامی نشر خواهد یافت.
۴. درة الأخبار/ ترجمه تنمة صوان الحکمة، ص ۸۷-۸۶.
۵. معجم البلدان، طبع و وستنفلد، ج ۳، ص ۳۴۴-۳۴۳.
۶. مناظرات فخرالدین الرازی، تحقیق دکتر فتح الله خلیفه، دارالمشرق، (افست، تهران ۱۴۰۶ هـ ق، زمستان ۱۳۶۴) بیروت ۱۹۶۶، ص ۴۰-۳۹.
۷. Ibid, commentaries, pp. 144-145.
۸. نگاه کنید به الملل و النحل، طبع بدران، قاهره ۱۹۵۶ م، ج ۱، ص ۱۷۶.
۹. نگاه کنید به تاریخ قرآن «رامیار»، ص ۴۷۹ و ۴۸۷-۴۸۵.
۱۰. Cf: Jeffery, Material for the History of the Text of the Quran, pp.39-40.
۱۱. هر چند که مذهب سبعیان مورد تعریض ایشان شده است.
۱۲. الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۷۲.
۱۳. مصارع المصارع، طبع قم، مکتبه آية الله المرعشی، ۱۴۰۵ هـ ق، ص ۱۴۹.
۱۴. الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۷۳ پیش و پس.
۱۵. همان، ص ۱۷۲.
۱۶. مصارعة الفلاسفة (قسم اول) مصارع المصارع، ص ۱۱۶.
۱۷. نگاه کنید به مصارع المصارع طوسی، ص ۸۲ و مقایسه کنید با فصل «اسماعیلیه» و «اسماعیلیه و تصوف» در تاریخ فلسفه اسلامی هانری کربن، ترجمه مبشری، ص ۹۸ تا ۱۳۴.
۱۸. الفهرست، طبع تهران، ص ۱۵۱.
۱۹. معجم الادباء، ج ۱۳، ص ۲۰۵، ج ۱۸، ص ۳۸-۳۵.
۲۰. تاریخ قم، ص ۲۱۸-۲۱۷.
۲۱. تاریخ طبرستان، ص ۲۵۲-۲۵۱.
۲۲. عمدة الطالب، طبع نجف، ص ۹۳.
۲۳. تاریخ الادب العربی لبروکلمان، ج ۴، ص ۱۸-۱۷.
۲۴. رجوع کنید به: ترجمه انگلیسی کندی با عنوان: The Exhaustive Treatise on Shadows, Vol.I, p.21/Vol. II, p.7.
۲۵. رجوع کنید به: الفهرست، ص ۱۵۳، ۲۱۰، ۲۸۸.
۲۶. دوست دانشورم علیرضا ذکاوتی، مرا بدین نکته متوجه ساخت.



نقد و بررسی احیای حکمت

دکتر سید جعفر سجادی

روایت «طلب العلم» پاره‌ای گفته‌اند عبارت «علی کل مسلمة» نیامده است. و البته قاعده باب تغلیب این بوده که در احکام اجتماعی جمعی، ضمائر جمع مذکر آید و از این رو است که در طول تاریخ تمدن اسلامی زنان نامی و دانشمند بسیار بوجود آمدند که تعدادی از آنها در کتاب خیرات الحسان گردآوری شده است.

در تاریخ معاصر ما بویژه بعد از انقلاب اسلامی چهره‌های درخشانی در تمام شؤون علمی در بین زنان درخشیده‌اند. زنان بسیاری در رشته‌های طب، داروشناسی،

علوم مثبت و بالآخره علوم ادبی و حقوق و فلسفه درخشیده‌اند که بسیاری از کارهای علمی و فنی مورد نیاز جامعه را بعهده دارند. از جمله کسانی که در حال حاضر از چهره‌های تابنده‌اند و امید آن هست که واجد کمالات و مقامات علمی افزونتری شوند سرکار علیّه عالیّه فاضله ارجمند فاطمه فنا می‌باشند که در رشته علوم فلسفی گامهایی برداشته‌اند و با همت عالیّه خود اقدام به تصحیح و مقابله و اصلاح تحشیه کتاب حاضر و در واقع احیاء احیای حکمت تألیف فیلسوف عالی مقام عصر صفوی علی قلی خان نموده‌اند که در دو مجلد شامل حدود ۱۴۰۰ صفحه بوسیله دفتر نشر میراث مکتوب وابسته به انجمن آثار و مفاخر فرهنگی چاپ و نشر شده است. البته این کار به عنوان رساله پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد سرکار علیّه فاطمه فنا محسوب شده است.

مؤلف احیای حکمت - که یکی از کتب فلسفی مهم به زبان فارسی است - کمتر معروفیت داشته است. وی از فلاسفه مهم و

احیای حکمت تألیف علی قلی پسر قرچغای خان از آثار فلسفی قرن یازدهم هجری است. این کتاب مشتمل بر یک دوره مباحث حکمت طبیعی و الهی است؛ با این ویژگی خاص که به نقد و بررسی آرای حکمای نامدار گذشته پرداخته وی ضمن اینکه با اندیشه‌ها و آثار ملاصدرا بخوبی آشنا بوده در بعضی از مسائل وجود و در مسئله حرکت جوهری که از اندیشه‌های خاص ملاصدرا است مخالفت خود را ابراز کرده است. وی در خصوص بعضی از مسائل فلسفی از قبیل جعل، اصالت ماهیت یا وجود، اشتراک لفظی یا معنوی مفهوم وجود، مساوقت وحدت و وجود، حدوث عالم، مباحث مربوط به نفس و تناسخ، آرای بدیع و خاص خود را دارد. البته وی در بعضی از آنها بویژه در ارائه و دفاع از نوعی الهیات تنزیهی تحت تأثیر تعالیم استاد خود ملارجب علی تبریزی بوده است. همچنین در مسئله کثیر از واحد، بیان سلسله مراتب صدور و حدوث عالم تأثیر اندیشه‌های میرداماد در او بخوبی مشاهده می‌شود. نظرگاه وی در مسئله وجود، رابطه واجب با مخلوقات و معلولاتش، علم باری تعالی و موارد دیگر، بهره‌گیری وی را از اندیشه‌های نو افلاطونی بویژه از طریق اثولوجیا نشان می‌دهد.

مؤلف بسیار کوشیده تا مسائل فلسفی را با مدالیل آیات الهی و احادیث و تعالیم ائمه معصومین (ع) ممزوج و مستدل سازد، از این رو بارقه‌هایی از حکمت شیعی در آن بخوبی نمایان است.

بزرگترین تحول تاریخی و فرهنگی با ظهور آیین اسلام به وقوع پیوست. می‌گویند و می‌نویسند که اسلام با بت و بت پرستی و بت پرستها مبارزه کرد. این امر بدان معنی نبوده و نیست که بانی شریعت اسلام با چند قطعه چوب و سنگ مصنوع دست انسانهای جاهل مبارزه کرد، مبارزه واقعی اسلام جنگ و ستیز با بت‌های انسان نما از نوع ابوسفیانها بود که: «بت پرستیدن به از مردم پرست». بزرگترین تحول فرهنگی صدور منشور همگانی کردن علم آموزی بود که به طور صریح فرمودند: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم» و به طوری که از منابع تاریخی بدست می‌آید این امر در هیچ یک از مدنیه‌های کهن مسبق به سابقه نبود و از توابع اعلام همگانی بودن دانش اندوزی شکسته شدن بت‌های طبقاتی بود که فرمود: «ان اکرمکم عندالله اتقیکم». آنچه از دیدگاه اسلام مهم و مورد احترام است علم و تقواست. صدها روایت و خبر درست در این ابواب وجود دارد به اضافه بیش از چند صد مورد در قرآن کریم که در آنها به علم اندوزی و اندیشه و تعقل اشاره شده است. در مورد



آثار احمدی در میزان نقد

دکتر نورالله کسائی

است، بیشترین بهره را از کتاب روضةالالباب جمال الدین عطاءالله دشتکی شیرازی گرفته است. (ص ۱۰) علاوه بر این در چندین جا از سیر کمال الدین حسین خوارزمی (ص ۸۳، ۹۴، ۲۱۳، ۲۷۱، ۳۰۹) به عنوان مأخذ مورد استفاده خود یاد کرده است که مصحح در فهرست کتابهای وارده در متن (ص ۵۸۹) به توضیح آن پرداخته و در فهرستها و تذکرها نیز از سیره نویسی به این نام ذکری نیامده است و فقط از نام حسین خوارزمی ملقب به کمال الدین مقتول (۸۴۰ ق) مشخص است که شارح قصیده برده و مثنوی مولوی به فارسی بوده است.

کوشش مصحح ارجمند در ضبط درست و دقیق اعراب کلمات آیات و احادیث و عبارات عربی و ارجاع به سوره ها و شماره آیات، بسیار ریزبینانه و عالمانه است. از این رو، شیوه تصحیح و عاری بودن کتاب از اغلاط چاپی در خور ستایش است. در عین حال، پیش از اشاره به مواردی اندک درباره متن یا تصحیح، یادآوری دو نکته ضروری می نماید: نخست اینکه، ارجاعات در زیرنویسها بیشتر به منابع امروزی است تا کهن، برای مثال در صفحات: ۴۳، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۶۳، ۱۸۰، ۱۹۳، ۲۰۷، ۲۲۸، ۲۳۳، ۲۳۶ و... ارجاع فقط به تاریخ پیامبر اسلام ﷺ است، و ارجاعات در زیرنویسهای صفحات: ۴۳ و ۵۷ به مروج الذهب و التنبيه والإشراف مسعودی و تاریخ یعقوبی است که در فهرست منابع (صص ۵۹۵ - ۵۹۱) به منابع تصحیح و مشخصات چاپی آن اشاره ای نشده است.

دوم آنکه، رسم الخط صحیح «اب» در زبان فارسی، به صورت رفعی است که باید به صورت «ابو» نوشته شود، حال آنکه در جای جای متن اغلب به صورت «ابی» یا «ابا» نوشته شده است؛ مانند: ابی بکر، ابی ذر، ابی سفیان، ابابکر، اباذر و کمتر به صورت درست آن «ابوبکر» یا «ابوذر» نوشته شده، که می بایست به صورت

تاج الدین استرآبادی، مؤلف کتاب - چنانکه از پیشگفتار مصحح برمی آید - از نویسندگان سده دهم هجری است (ص ۹). از تاریخ زاد و مرگش نشانه ای به دست نیامده است.

کتاب را نثری است آسان و نگارشی روان، آراسته به اشعاری در تفسیر رویدادها، بیشتر از خود نویسنده و نه چندان استوار، با سرآغازی در سپاس خدا و ستایش خاتم الانبیا ﷺ. محتوای کتاب مطالبی است در سرگذشت روزگار کودکی حضرت محمد ﷺ و نوجوانی او و آنگاه ازدواج با خدیجه، بعثت و آغاز دعوت و رویدادهای فاصله بعثت تا هجرت، ورود به مدینه، مهاجر و انصار، غزوات و سرایا، دعوت از سران کشورهای مجاور به پذیرش اسلام و سرانجام، حجة الوداع و اطنابی ممل از آغاز بیماری رسول خدا تا رحلت آن حضرت، آنگاه ایجازی محل از شکل گیری سقیفه، خلافت شیخین و عثمان، خلافت امیر مؤمنان علی (ع) و در پایان نیز اشارتی به زندگانی یازده امام، از فرزندان مولای متقیان تا امام زمان (س). از مضمون روایات و اشاره به یکایک رویدادها چنین برمی آید که نویسنده از آثار اسلاف در این باب نیک آگاهی داشته است. آثار احمدی نوشته ای است مربوط به سده های اخیر و آغاز دوران رونق و قدرت تشیع در سرزمینهای شرقی ایران؛ از این رو تضادها و دوگانه گویی های موجود در آن نه نماینده تسامح مذهبی مورخان سده های نخستین اسلام است و نه سازگار با جانگیریهای فرقه ای رایج از روزگار صفویان تا زمان ما. به این دلیل، در تصویر چهره صحابه و تابعین و ترسیم موضعگیریهای درست یا نادرست آنان، داد و ستدهای امتیازی او، با شیوه تاریخنگاری و امانتداری خصوصاً از نوع روایی آن سازگار نمی نماید.

مؤلف جز در مواردی اندک، در استناد به واقدی و راویانی مبهم چون ابوالقاسم (ص ۵۵۵)، یا ابن مزاحم (ص ۵۵۸)، چنانکه خود یادآور شده و مصحح محترم نیز به آن اشاره کرده

یکنواخت تصحیح و مراعات می شد.

و اینک چند توضیح ضروری:

صص ۵۴ - ۵۲: داستان رفتن عبدالمطلب به جانب یمن به دیدن سیف بن ذی یزن و شنیدن اخبار نبوت از او در سال هفتم از ولادت محمد ﷺ. در سیره ابن هشام (ج ۱، ص ۲۰۹) فقط به پیشگویی کاهنی در یمن در بعثت آن حضرت اشاره شده است که یعقوبی نیز بدان اشاره کرده است (ج ۲، ص ۱۲). بنابراین، نسبت دادن پیشگویی به سیف بن ذی یزن حکمران یمن که درست مقارن همین سالها از ظلم حبشیان غالب بر یمن، به دربار خسرو انوشیروان پناهنده و شاکی شده بود و نیز نسبت کهنات، به او، درست نمی نماید.

صص ۶۷ - ۶۵: داستان ازدواج حضرت محمد ﷺ با خدیجه و اینکه خدیجه تورات آراسته از در و یاقوت را بر کرسی نهاد...، واقعیت ندارد. زیرا در منابع، اشاره ای به یهودی بودن این زن نشده است، و ابن هشام، عموی او ورقه بن نوفل را از نصارا نوشته است (ج ۱، ص ۱۹۱).

صص ۱۱۱ - ۱۱۰: «چون سال دهم از بعثت درآمد ابوطالب بیمار شد... و رحلت کرد... و هم در این سال بعد از سه ماه یا کمتر از فوت ابوطالب، خدیجه وفات یافت.» حال آنکه یعقوبی، در گذشت ابوطالب را در ۸۶ سالگی و سه روز پس از خدیجه نوشته است (ج ۲، ص ۳۵).

صص ۲۴۶ - ۲۳۶: «گفتار در فرستادن آن سرور، ایلچیان را به جانب سلاطین نامدار...» برای اطلاع دقیقتر از این اقدام رسول الله و به خاطر اهمیت موضوع، مراجعه به کتاب مکاتیب الرسول تألیف آیت الله احمدی میانجی - که دعوت از سران و جوابیه های متفاوت آنان را با دقت از منابع کهن گردآورده - ضروری می نماید. (مکاتیب، ج ۱، ص ۹۸ - ۱۹۴).

ص ۴۱۹: بسیاری از پرسشهای عمروعاص از ابوموسی اشعری که فقط در این کتاب آمده، مطالبی است اضافی. برای اطلاع بیشتر، بنگرید: نصر بن مزاحم، حرب صفین، و دیگر منابع عام تاریخی چون تاریخ طبری، یعقوبی، الاخبار الطوال دینوری و... درباره جنگ صفین و قضیه حکمین.

ص ۵۲۱: «گویند عمر آن حضرت [امام صادق] شصت و پنج سال بود». اکثر قریب به اتفاق نویسندگان برآنند که امام صادق (ع) در سال ۸۰ هـ. ق تولد یافته و در سال ۱۴۸ در روزگار حکمرانی منصور خلیفه عباسی از دنیا رفته است.

از صفحه ۴۸۴ تا پایان کتاب؛ تاریخ دقیق در گذشت ائمه (ع) مشخص نشده و با تاریخ حکمرانی خلفای اموی و عباسی که بعضاً از مخالفان و قاتلان آنان بوده اند، تطبیق داده نشده است.

آینه پژوهش، سال هفتم، شماره ۴، شماره پیاپی ۴۰، (مهر - آبان ۱۳۷۵)

کتابخانه متون



این اثر مجموعه سخنرانی های دکتر هلال ناجی برای جمعی از دانشجویان دانشگاه های بغداد است که در خلال سالهای ۹۳ - ۱۹۹۲ میلادی ایراد شده است. در سخنرانی اول، با ذکر شواهد و نمونه های متعدد به بیان اهمیت تحقیق پیرامون عنوان یک نسخه و نام مؤلف پرداخته است.

سخنرانی دوم پیرامون اهمیت تحقیق بر روی نسخه های منحصر و چگونگی آن است. بخشهای بعدی کتاب به موضوعاتی نظیر: تصحیف و تحریف، کسانی که در این باب کتابی نوشته اند، سیر تاریخی این دو اصطلاح، نوادری در تصحیف و تحریف، نمونه هایی از تصحیف و تحریف نزد معاصران اختصاص دارد.

محاضرات فی تحقیق النصوص

بسم الله
الأستاذ هلال ناجی
مدرس الأدب واللغة والفقه في العراق
الطبعة الأولى: ۱۹۹۴ م



محاضرات فی تحقیق النصوص

هلال ناجی
بیروت: دار الغرب الاسلامی
الطبعة الأولى، ۱۹۹۴ م
ص ۱۶۶



به امید قبسی...

جویا جهانبخش

است که آثار میر چنان که در مورد حکیمی نامدار و بنیانگذار چون او انتظار می‌رفته، رواج نیافته؛ و این با آوازه و حضور مع الواسطه اندیشه‌های حکمی حکیم جلیل ما منافاتی ندارد. در چند قرن اخیر، به عللی دیگر، نگارش‌های کثیری از اجله مشاهیر علمای اسلام، یا به رواج شایسته نرسیده یا از رواج سزاوار افتاده؛ و از این قسم واپسین، نگارش‌های پیر پروا پیشگان، سید بن طاووس، است.

پُر دور نیفتیم؛ میرداماد که به قول اسکندر بیک منشی، تاریخ‌نگار هم‌روز گارش، «در علوم معقول و منقول سرآمد روزگار خود» بود، از مؤثرترین شخصیت‌های اسلامی در تعالی فلسفه می‌باشد. مورخ پیشگفته (اسکندر بیک) در وصف جناب میر گوید:

«الحق جامع کمالات صوری و معنوی است، و کاشف دقایق انفسی و آفاقی، و در اکثر علوم حکمیات و فنون غریبه ریاضی و فقه و تفسیر و حدیث درجه‌علیا یافته؛ رتبه‌عالی و اجتهاد دارد، و فقهای عصر فتاوی شرعیّه را به تصحیح آن جناب معتبر می‌شمارند.»

به قولی شاهکار و بزرگترین و پراهمیت‌ترین اثر میرداماد، کتاب قبسات اوست.

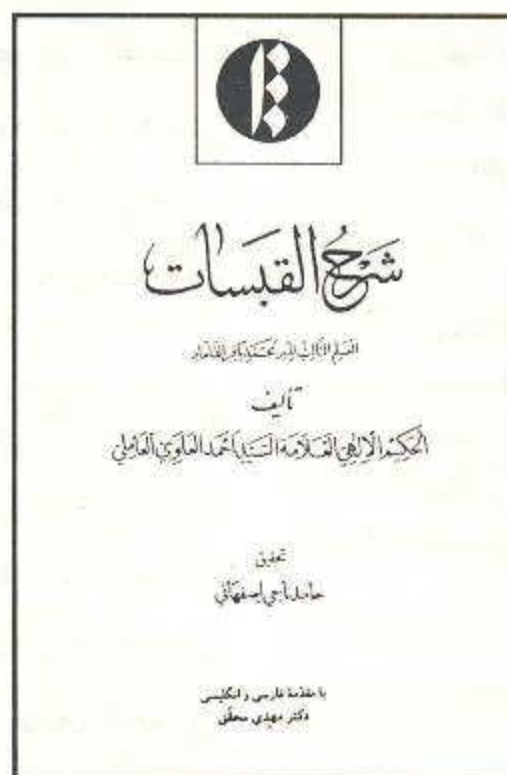
موضوع بنیادین «قبسات» پُرسمانِ حادث یا قدیم بودن عالم است. اینکه «عالم» (یعنی: ماسوی الله)، حادث است یا قدیم؟ و چرا؟ از دیرباز محل گفتگو و مناظره و مباحثه اندیشمندان عرصه حکمت و کلام بوده و میرداماد در قبسات که به خواهش دوستی پرسشگر در زمینه یاد شده، نگاشته آمده، در باب حدوث و قدم عالم داد سخن داده و این پُرسمان

حضرت استاد آقای دکتر ابراهیمی دینانی-در مجلس بزرگداشت حکیم و فقیه فقید، مرحوم آیه الله ارباب، (قدس سره)-، اصفهان را برای حکمت اسلامی، چون آتن برای فلسفه یونانی دانستند. آری! اصفهان بحقیقت آتن ایران و اسلام است و بلکه فراتر از آن؛ ولی دریغ که هنوز میراث فلسفی اش بتمامی به قید دراسه و تحقیق در نیامده تا ماده مستعد باز شکافتن و بررسی همه سویه «مکتب اصفهان» و حکمت متعالیه باشد و فهم مطالب و گشایش غوامض این شیوه اندیشگی را بر تشنه کامان جویان، آسان نماید.

از میان نگارش‌های مکتب اصفهان، احیاء آثار حکیم فرزانه و عالم ربّانی، میر محمد باقر داماد، سخت ضرور به نظر می‌رسد و در چند دهه اخیر حکمت پژوهان به گونه‌ای دیگر متوجه این مکتوبات

شده‌اند؛ زیرا که میر، نه تنها از مهمترین ستونهای این دبستان اندیشگی است و نگارش‌هایش آبشخور کثیری از کلمات فاخر و خوشتراش و آبدار دیگر حکیمان نحله یاد شده است، متأسفانه آثار او نسبتاً مغفول و بی‌رواج واقع شده‌اند.

دور نیست که خواننده از اسناد وصف «مغفول و بی‌رواج» به آثار مردی که نام و یادش سامعه و حافظه هر حکمت پژوه را آکنده، غرق حیرت گردد؛ از این روی، می‌افزائیم: به عللی -از جمله پیچیدگی زبان و تنوع اعجاب انگیز لغوی در آثار میر (که حتی مایه دست برخی لطیفه سازان و طنزپردازان گشته)-، نگارش‌های میر کتاب بالینی طالبان علم نشد و همگان بدین ینابیع حکمت اقبال ننمودند. پس خواست ما از آن اشارت، تنبیه بدین حقیقت



تألیف:

الحکیم الإلهی العلامة السید احمد العلوی العاملي

تحقیق: حامد ناجي اصفهاني

چاپ اول: ۱۳۷۶

ناشر: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران

با همکاری دفتر نشر میراث مکتوب

قطع وزیری، ۷۴۷ ص. ■ شمار: ۲۲۰۰ نسخه

نیز شاید بتوان گفت که او از بسیاری از نویسندگان معاصرش - که شعر نیز می‌سرودند - در زمینه شعر، پر استعدادتر، و به ساحت آن نزدیکتر بود.

اما در خصوص ویژگیهای فنی شعر خوارزمی باید گفت که وی در مضمون از پیشینیان تقلید می‌کرد و سروده‌هایش اشاراتی به حوادث تاریخی و حکایات قدیمی دارد. و تضمینهای بسیاری از سروده‌ها و ابیات شعرای دیگر در آن به چشم می‌خورد. شعر خوارزمی در مفهوم و معنی از ابتکار در وصف پیری و شراب، بکار بردن مفاهیم اشعار دیگران در شعر خود، و خود محوری و به خود اندیشی برخوردار است. این شاعر به مسائل عمومی، اجتماعی و اسلامی نمی‌اندیشید، و شعرش فاقد مفاهیم عاطفی و احساسات گرم بود. افزون بر این برخی از ابیاتش به دلیل گزافه گویی نفرت دیگران را برمی‌انگیخت و صور خیال و تشبیهات و استعارات شعر او نیز در سطح بالایی نبود که درک آن مشکل باشد.

و اما از لحاظ شکل، گرچه به قصاید کاملی از او دست نیافته‌ایم، ولی می‌توان گفت که او گاه در یک قصیده چندین مقصد و غرض را جمع کرده است. زیرا در قصاید او جمع بین مدح و هجا، مدح و وصف، مدح و رثا، غزل و وصف به چشم می‌خورد. بیشترین الفاظی را که به کار برده آسان و بی‌تکلف است. در عین حال از الفاظ مستهجن و رکیک، اصطلاحات علمی و فنی، و واژگان غیر عربی و معرب نیز استفاده کرده است.

شعر او عاری از آرایه‌های بدیعی در رنگهای گوناگون و اشکال متنوع نیست. زیرا طباق، جناس، مقابله، اقتباس و تضمین در آن بوفور یافت می‌شود.

و خلاصه کلام اینکه خوارزمی در شعر خود همانند نثرش شاعری نیست که از یک عقیده دفاع کند، یا از تجربه و احساس درونی زنده‌ای برخوردار باشد که بتواند آن را بازگوید. شاعری نیست که معانی والای انسانی را در جامعه رواج دهد، و نیز شاعری نیست که فساد و اضطراب، تفرقه و از خود بیگانگی جامعه را اصلاح کند، اوضاع مسلمانان را سامان بخشد، و خطر را گوشزد کند. او نتوانسته است با زبان شعر و نثر رسالت خود را در تفهیم اصول و مفاهیم انسانی ایفا کند. خود محوری بر تار و پود اندیشه او سایه افکنده و این ویژگی در شعر و نثر او کاملاً نمایان است. البته اگر به دیوان مفقود او دست می‌یافتیم، چه بسا در این داوری تجدید نظر می‌شد.

در تدارک این رساله سعی و اهتمام وافر داشته‌ام که گفته‌هایم علمی، مستند و بکر باشد. در حد توان تلاش کرده‌ام با استفاده از منابع معتبر و مراجعه به آثار منظوم و منثور خوارزمی کاملترین و واقعی‌ترین تصویر را با نقد و تحلیل از این شاعر ارائه دهم، به نظر قاصر خود ان شاء الله حق علمی مطلب را ادا کرده باشم.



کتابخانه
متون



کتاب با مقدمه‌ای پیرامون نظریات و رویکردهای موجود در باب نقد میراث ادبی مخطوط آغاز می‌شود. بیشترین فصلهای کتاب به نقد متون و کتب ادبی عربی که به کوشش برخی از محققان معاصر جهان عرب تصحیح شده، اختصاص دارد. کتابهایی چون: الحارثی حیات و شعره، حلیة المحاضرة، المحبوب، تحفة الوزراء، المخطوطات العربية.

در لابلاي مباحث کتاب نیز فصلهایی نظیر: کاربرد میراث ادبی کهن در تطویر شعر معاصر، اوهام ابن فارس، راههای نشر میراث ادبی و ادبیات اندلس نیز به چشم می‌خورد.

بحوث في النقد التراثي

بیت
الإسلام هلال ناجي
رئيسة تحرير المجلة
الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت



بحوث في النقد التراثي
هلال ناجي
بيروت: دار الغرب الإسلامي
الطبعة الأولى، ١٩٩٤ م
٢٩٠ ص.



گذری بر رسائل حزین لاهیجی

علی اوجبی

شریفة «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» است که به شیوه عرفا و به زبان عربی تألیف شده است.

در بازنویسی این اثر از میکروفیلم شماره ۱۸۱۲ موزه لندن استفاده شده است.

۳. المذاکرات فی المحاضرات: رساله‌ای است فارسی در یکی از صنایع منطقی موسوم به صنعت جدل. مصنف در این رساله پیرامون ماهیت جدل و آداب مناظره بتفصیل سخن رانده و آن را مزین به سخنان گهربار حضرت امیر(ع) و اقوال بزرگان و حکما و لطایف حکایات نموده است.

دستنوشتی که به عنوان نسخه اساس در تصحیح این رساله به کار رفته، نسخه شماره ۳۷۳۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است.

۴. رساله در حقیقت نفس و تجرد آن: رساله‌ای است فلسفی در بیان ماهیت نفس، همراه با ادله‌ای که تجرد آن را به اثبات می‌رساند.

این نوشتار در عین اختصار حاوی نکات بدیعی نیز هست که از آن جمله می‌توان به تقسیم جوهر به اقسام شش گانه اشاره کرد. از جمله بخشهای خواندنی و جذاب این رساله فارسی مقدمه آن است که در آن ارزش و اهمیت معرفت نفس به زیبایی تبیین شده است. فصل پایانی این اثر نیز به ماهیت علم اختصاص دارد.

این رساله بر اساس میکروفیلم شماره ۱۸۱۲ موزه لندن تصحیح و بازنویسی شده است.

علامه ذوفنون، شیخ محمد علی حزین لاهیجی، از اندیشمندان بزرگ اما گمنام قرن دوازدهم هجری، در ۲۷ ربیع‌الآخر ۱۱۰۳ هـ. ق در دارالسلطنه اصفهان دیده به جهان گشود. و به سال ۱۱۸۰ هـ. ق. در سن هفتاد و هفت سالگی چشم از جهان فرو بست و پیکر مطهرش در باغی که خود احداث کرده بود، دفن شد.

او از معدود نوادر و نوابغ اندیشمند جهان اسلام بود که در تمامی علوم و معارف زمانه خویش حتی در علوم طبیعی تبحری خاص داشت. برخلاف آنچه که بدان اشتها دارد، شاعر صرف نبود بلکه در زمینه فقه، اصول، تفسیر، فلسفه، منطق، تاریخ، اخلاق، علوم غریبه، انساب، پزشکی و شعبه‌های گونه‌گونه علوم طبیعی اطلاعات چشمگیری داشت، و در تمامی آنها از خود اثری برجای گذاشت.

مجموعه حاضر که به کوشش گروهی از محققان و مصححان زیر نظر دفتر نشر میراث مکتوب تصحیح و بازنویسی شده است، شامل ۱۲ رساله ذیل می‌باشد:

۱. شجرة الطور فی شرح آية النور: تفسیر مختصری است بر آیه ۳۵ سورة نور که صبغة عرفانی فلسفی دارد و به زبان عربی نگاشته شده است.

این رساله بر اساس میکروفیلم شماره ۱۸۱۲ موزه لندن تصحیح شده است.

۲. مرآة الله فی شرح آية شهد الله: تفسیر بسیار موجزی بر آیه



رسائل حزین لاهیجی

محمد علی بن ابی طالب حزین لاهیجی

بکوشش

علی اوجبی ناصر باقری پیرمندی
اسکندر افندیاری عبدالحسین مهدوی

زیر نظر

دفتر نشر میراث مکتوب

